

### ادامه امر ششم

بیان شد که در مورد کیفیت دخالت فوریت در اوامر مطلقه شارع مقدس، اقوال مختلفی وجود دارد. قول اول قول به فوریت آئیه تقييدیه بود، قول دوم قول به فوریت آئیه تألیفیه، قول سوم قول به عدم دلالت امر بر فوریت به نحو مطلق و قول چهارم قول به فوریت استمراریه. در گذشته به تایید قول اول و نقد استدلال آن، نقد استدلال به قول دوم و سوم پرداختیم. در ادامه به نقد و بررسی قول چهارم و بیان ثمرات مسأله می پردازیم.

### نقد و بررسی قول چهارم

قول چهارم یعنی قول به فوریت استمراریه که محقق عراقی «رحمة الله عليه» مطرح نمودند، مورد قبول نبوده و بطلان آن از آنچه در نقد اقوال دیگر مطرح شد، روشن می گردد. چون همانطور که بیان شد، قرینه عامه یعنی آیات استباق و مسارعة، دلالت بر تقييد مأمور به در اوامر مطلقه به قید فوریت دارند و ظاهر مسارعة و بدار، مسارعة و بدار حقیقی می باشد که فقط در زمان اول ممکن عرفی صدق می نماید.

علاوه بر این، با قطع نظر از این ظهور و بر فرض اینکه این آیات فقط دلالت بر اصل تقييد نمایند، اصل در قیود احترازی آنهاست که مساوق با وحدت مطلوب بوده و دخالت فوریت را به نحو فوریت آئیه تقييدیه افاده می دهد و تفاوتی میان قید فوریت و قید وقت و سایر قیود وجود ندارد. لذا همان گونه که خود محقق عراقی «رحمة الله عليه» تصریح می کند که دلیل توقیت، ظهور در وحدت مطلوب دارد، دلیل فوریت نیز ظهور در وحدت مطلوب و دخالت فوریت در مأمور به، به صورت آئیه تقييدیه خواهد داشت و اثبات دخالت آن به صورت آئیه تألیفیه و یا به صورت استمراریه، نیازمند دلیل دیگری است؛ و اما دلیل عقلی که ایشان مطرح فرمودند نیز، اصل دلالت آن بر فور مخدوش بود تا چه رسد به دلالتش بر الفور فالفور<sup>۱</sup>.

### نتیجه نهایی

إنَّ الاوامر المطلقة و هي غير المؤقتة او المقرونة بقريئة خاصة، تدلّ على الفور بقريئة عامّة هي آية المسارعة و الاستباق و اما دلالتها على الفور فالفور، فممنوعة، بل انما تدلّ على الفور بمعنى الفورية التقييدية و وحدة المطلوب.

<sup>۱</sup>- بیان دلیل عقلی و نقد آن در درس ۲۵، مورخ ۹۲/۸/۲۷ گذشت.

## ثمرات مسأله

این مسأله نیز مانند مباحث اصولی دیگر، برخوردار از ثمرات فقهی متعددی می‌باشد و یقیناً اختلاف مبانی در این مسأله اصولی، تأثیر مستقیم در مقام استنباط و استخراج احکام فقهی خواهد داشت. لذا بی اثر یا کم اثر خواندن این مبحث، آن گونه که در برخی تقریرات محقق نائینی «رحمة الله علیه»<sup>۱</sup> مطرح شده، شایسته نیست و ما در اینجا به چند نمونه از این ثمرات اشاره می‌نمایم.

### ثمره اول: فوریت یا عدم فوریت وجوب سجده در عزائم

در باره وجوب فوری سجده پس از استماع یا قرائت عزائم اختلاف است، با این توضیح که اصل وجوب سجده بعد از استماع یا قرائت عزائم<sup>۲</sup>، چیزی است که هم نفس صیغه امر مذکور در روایات دالّ بر وجوب انجام سجده پس از استماع، بر آن دلالت دارد و هم اجماعی است. انما الکلام در آن است که آیا وجوب آن فوری است و باید در اوّل وقت ممکن عرفی انجام گیرد و یا فوری نبوده و تاخیر آن جایز می‌باشد؟

بنا بر دلالت اوامر مطلقه بر فوریت که نظر بعضی از اعظم مانند شیخ طوسی «رحمة الله علیه» بوده و مختار ما نیز می‌باشد، امر در روایات مذکور، دلالت بر فور هم خواهد داشت. به همین جهت است که بسیاری از فقهاء قائل به فوریت مثل مرحوم شیخ<sup>۳</sup>، صاحب حدائق<sup>۴</sup> و مانند اینها، با استناد به دلالت امر بر فور، حکم به وجوب فوری آن نموده‌اند؛ البتّه طبق مبنای ما، چنانچه این سجده در اوّل زمان ممکن عرفی انجام نگیرد، مجالی برای انجام آن در سایر ازمه نیست؛

و اما بنا بر عدم دلالت اوامر مطلقه بر فور، وجوب این سجده استمرار دارد و هر زمانی که مکلف اراده نماید می‌تواند آن را انجام دهد، بدون این که با تاخیر از اوّل وقت، معصیتی صورت گرفته باشد و بنا بر دلالت این اوامر بر فوریت تألیفیه و ترکیبیه، با عدم انجام آن در اوّل وقت ممکن معصیت کرده است، ولی تکلیف نسبت به اصل انجام سجده باقی است و بنا بر قول به دلالت اوامر بر فوریت استمراریه، در هر یک از زمان های بعدی انجام سجده وجوب فوری خواهد داشت.

### ثمره دوم: فوریت و عدم فوریت وجوب سجده سهو

مرحوم سیّد یزدی در عروة الوثقی در مورد سجده سهو که امر به انجام آن پس از سلام نماز شده است، می‌فرمایند: «يجب الاتيان به فوراً. فإن اخر عمداً عصي و لم يسقط، بل وجبت المبادرة اليه و هكذا»<sup>۵</sup>. این فتوا مبتنی بر قول به دلالت امر، بر

۱- ایشان در فوائد الاصول، جلد ۱، صفحه ۲۴۱، بحث فور و تراخی را ملحق به بحث مرّه و تکرار نموده و می‌فرمایند: «فالبحت عن المرّة و التكرار ممّا لا طائل تحته، كالبحت عن الفور و التراخي، فإنّ الأمر يصلح لكلّ منهما من دون ان يكون له دلالة لفظية على أحدهما».

۲- آیه پانزده سوره سجده، ۳۷ سوره فصلّت، ۶۲ نجم و ۱۶ علق.

۳- ایشان در الخلاف، جلد ۱، صفحه ۴۳۰، پس از ذکر آیه شریفه «وَ اسْجُدُوا لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ» به عنوان دلیل بر وجوب سجده می‌فرمایند: «هذا أمر، و الأمر يقتضي الفور عندنا، و ذلك يوجب السجود عقيب الآية».

۴- الحدائق الناضرة، جلد ۸، صفحه ۳۳۳ تا ۳۳۵.

۵- عروة الوثقی، جلد ۲، صفحه ۴۸.

فوریت استمراریه می باشد. از آنجا که محقق بزرگوار سید حکیم «رحمة الله علیه» امر را دالّ بر فور نمی دانند لذا در تعلیقه کلام مرحوم سید در مستمسک می فرمایند: «لیس علیه دلیل ظاهر، فإنّ الامر لا يدلّ علی الفور»<sup>۱</sup> و ثمره اقوال دیگر نیز از گذشته روشن می باشد.

#### ثمره سوّم: فوریت و عدم فوریت وجوب قضاء اعتکاف

مرحوم سید در عروه می فرمایند: «اذا فسد الاعتکاف باحد المفسدات، فإن کان واجباً معیناً وجب قضاءه»<sup>۲</sup>، در مسأله بعدی می فرمایند: «و لا یجب القضاء فوراً و ان کان احوط»<sup>۳</sup>. این فتوا مبتنی بر عدم دلالت اوامر دالّ بر وجوب قضاء فوائت، بر فور می باشد؛

و اما بنا بر تحقیق و دلالت این اوامر مطلقه بر وجوب فوری مگر در مواردی که دلیل خاصی بر جواز تأخیر وجود داشته باشد، قضاء این اعتکاف وجوب فوری دارد و محقق خویی «رحمة الله علیه» که دلالت امر بر فور را نمی پذیرند، در حاشیه عروه، ذیل این مسأله می فرمایند: «لعدم الدلیل علیه کما انّ الامر بنفسه لا يدلّ علی الفور»<sup>۴</sup> و ثمره اقوال دیگر به همان صورت که در گذشته مطرح شد، در این مسأله نیز مطرح می باشد.

#### ثمره چهارم: فوریت و عدم فوریت وجوب ردّ سلام

مسأله دیگری که مطرح می باشد آن است که آیا ردّ سلام وجوب فوری دارد یا خیر؟ دلیل وجوب ردّ سلام آیه شریفه «وَ إِذَا حُیِّتُمْ بِتَحِیَّةٍ فَحَیُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا»<sup>۵</sup> می باشد. بنا بر عدم دلالت امر بر فور، ردّ سلام وجوب فوری ندارد؛ بنا بر دلالت آن بر فوریت آئیه تقییدیه، ردّ سلام فقط در اوّل زمان ممکن عرفی واجب است و در صورت تأخیر، مجالی برای انجام آن در زمان های بعد نیست؛ بنا بر دلالت آن بر فوریت آئیه تألیفیه، ردّ سلام واجب فوری است و در صورت تأخیر و معصیت، اصل ردّ سلام در زمان های بعدی واجب می باشد، ولی فوری نیست و بنا بر دلالت امر بر فوریت استمراریه، در تمام زمان ها، وجوب فوری دارد.

«و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»

۱- مستمسک العروة، جلد ۷، صفحه ۵۵۱.

۲- العروة الوثقی، جلد ۲، صفحه ۲۶۰.

۳- العروة الوثقی، جلد ۲، صفحه ۲۶۰.

۴- المستند فی شرح العروة الوثقی، جلد ۲، صفحه ۴۶۹.

۵- نساء/۸۶.